

موضوعی بازمی‌گردد که مثلاً یکی از نمایندگان مجلس یا یک گروه‌هایی که ذی‌نفع هستند، فشار می‌آورند که آن صنعت در آن منطقه خاص ایجاد شود.

در یک تقسیم‌بندی کلی رانت‌خواری دو نوع است: یکی رانت‌خواری مردمی و یکی غیرمردمی. در رانت‌خواری غیرمردمی، عده‌ای خاص رانت می‌خورند. در صندوق‌های بازنشستگی یک سری رانت‌های خاص وجود داشته که در نصب مدیران، جایگاه پروژه‌های صنعتی و بسیاری دیگر خود را نشان داده است. در این خصوص کار سیستماتیک صورت نگرفته و من به‌طور محدود مشاهدات خودم را مطرح می‌کنم. به‌طور مثال مدیرانی که در این صندوق‌ها منصوب شده‌اند، چه بخشی از آنها کارکنان این صندوق‌ها بوده‌اند و چه بخشی از جماعت سیاسی؟ بخش بزرگی در خود صندوق‌ها، گروه‌های فشار ایجاد کردند، حتی خود کارگزارها و مدیران جزء کم‌کم شبکه‌ای ایجاد کردند و این شبکه، خواسته خودشان را به مدیران ارشد القا کردند. بنابراین وضعیتی پیچیده از صندوق‌ها درست شده است.

❧ به نظر می‌آید بخش بزرگی از شروع ناکارآمدی صندوق‌ها

به نحوه واگذاری‌ها بازمی‌گردد. مانند اینکه در موقعیتی سیاست خصوصی‌سازی را انتخاب کردیم که نقش دولت را محدود کنیم و تصدی دولت را پایین بیاوریم. بعد ابزاری طرح شد به نام واگذاری‌ها. نهایتاً به این مرحله رسیدیم که طیفی از بنگاه‌ها را تحویل یک وزارتخانه به نام وزارتخانه تعاون دادیم؟ تا چه اندازه بحران صندوق‌ها را موهون موضوع واگذاری‌ها می‌دانید؟

درواقع گروه‌ها فشار آوردند که از این منفعت استفاده کنند. گروه‌هایی وجود دارند که از بسترهای مختلف استفاده می‌کنند، مثلاً وقتی شرکت‌ها وابسته به وزارت نفت بودند، سیستم مدیریت‌شان ثبات بیشتری داشت. به دلیل اینکه در این شرکت‌ها کسی می‌توانست مدیر باشد که از سیستم وزارت نفت عبور می‌کرد و یک سیستم نظارتی وجود داشت. اما یک مرتبه پتروشیمی و لوله‌سازی را از وزارت نفت به صندوق‌ها دادیم. بنابراین این صندوق‌ها آمادگی ساختاری برای نظارت، هدایت و راهبری نداشتند و برای گروه‌های فشاری که درون و بیرون شرکت‌ها بودند، بستر فساد بیشتر فراهم شد. زمانی که در وزارتخانه‌های اصلی خود بودند، فساد کمتر بود اما مشکلات دیگری داشتند. وقتی تحت پوشش این وزارتخانه بودند آن وزارتخانه کل اقتصاد را تنظیم می‌کرد تا بنگاه‌ها بتوانند کار کنند؛ یعنی وزارت نفت قیمت مواد اولیه پتروشیمی را پایین می‌آورد تا پتروشیمی‌ها سودآور شوند. وقتی این بنگاه‌ها به صندوق‌ها واگذار شدند، قیمت مواد اولیه آزاد شد. به این ترتیب این صندوق‌ها در بستر جدید، با فساد بیشتر مواجه و در جاهایی از رانت‌های دولتی کمتر برخوردار شدند. یعنی زمانی کشتی‌رانی برای وزارت بازرگانی بود، بار هم به سمت آنها هدایت می‌شد، به‌طور مثال لوله‌سازی، زمانی که برای وزارت نفت بود، این وزارتخانه کل لوله‌ها را پیش‌خرید می‌کرد و زمانی که وارد صندوق بازنشستگی کشوری شد، واردات لوله را خودشان انجام دادند؛ بنابراین این فرایند در جایی کار و در بسیاری مواقع ناکارآمد بوده است.

❧ در حال حاضر وزارت تعاون برای واگذاری شرکت‌ها و شروع به خصوصی‌سازی از جانب دولت تحت فشار است. در این جریان راه‌کار شما چیست؟

در حال حاضر در قانون برنامه پنجم این واگذاری‌ها آمده است. البته به دلیل این است که بازار سهام از کارایی چندانی برخوردار نیست. در واقع دولت از این جهت تحت فشار نیست. در بحث دخانیات ببینید،

تا زمانی که دخانیات برای وزارت بازرگانی بود، انحصار واردات تنباکو در اختیار این وزارتخانه قرار داشت. زمانی که به صندوق بازنشستگی کشوری واگذار شد، شرکت اجازه واردات دخانیات را داد و آن انحصار برهم خورد.

توجه کنید، وجهی از آن رانت‌هایی که به دلیل وابستگی به وزارتخانه مادر بود، کمتر شد ولی توزیع رانت مدیریتی آن خیر. مثلاً در شرکت‌های پتروشیمی، هر وزیری می‌توانست کسی را در شرکت پتروشیمی بگذارد. اما الان کاملاً در قواعد شرکتی اداره می‌شود. یعنی زمانی که پتروشیمی در حوزه نفت بود، از طرف سیاست‌گذار حوزه پتروشیمی سیاست‌گذاری انجام می‌گرفت، استخدام‌ها کنترل می‌شد و... ولی زمانی که انبوهی از شرکت‌ها به صندوق بازنشستگی واگذار شد، درون صندوق سیستم مدیریتی و هدایتی وجود نداشت. مثلاً در شستا چند سیاست‌گذار حوزه پتروشیمی وجود دارد؟ فرض کنیم که وجود داشته باشد، شرکت‌هایی که یک مرتبه از حوزه فولاد کنده شدند و وارد صندوق شدند، چه اتفاقی رخ داده است. به‌طور مثال پتروشیمی برای وزارت نفت بود. کشتی‌رانی برای وزارت بازرگانی بود، دخانیات برای بازرگانی و لوله‌سازی برای وزارت نفت بود. اینها از وزارتخانه‌ها متفک شدند و وارد صندوق‌ها شدند، این صندوق‌ها باید کار وزارت بازرگانی و وزارت نفت را انجام دهد، بنابراین آن سیستم نظارتی و هدایتی که در شرکت مادر وجود داشته، کاهش پیدا کرده است. مثلاً در لوله‌سازی اهواز زمانی که از وزارت نفت کنده شد و به صندوق بازنشستگی کشوری داده شد، به دلیل اینکه حفاری و وزارت نفت لوله‌ها را نمی‌خریدند، تولید نصف و پرسنل دو برابر شد. به این دلیل که ضوابط استخدام آسان شد.

❧ راه‌کار ویژه شما برای حل مشکل ناپایداری و بحران در صندوق‌ها چیست؟ شما چه سیاست‌هایی را تجویز می‌کنید؟

بحثی که ما در وزارتخانه پیگیری می‌کنیم، دو بخش است: یک بخش آن این است که تمام سیاست‌مداران، مانند نهادهای مجلس، دولت و... از این صندوق‌ها استفاده کردند تا بتوانند مشکلات خود را در کوتاه‌مدت حل کنند و رضایت مردم را به دست بیاورند. موضوعاتی مانند سن بازنشستگی و سیاست‌گذاری‌های اشتباه. این صندوق‌ها با این وضعیت یکی از چالش‌های اصلی مملکت شده و به بحران رسیده است. همه باید از این وضعیت آگاه باشند. یعنی کل سیاست‌مداران ما بدانند. باید وفاقی بین جریان‌های سیاسی در کشور شکل بگیرد که نمی‌شود به صندوق‌های بازنشستگی به صورت صندوق رانت نگاه شود. یعنی از جیب صندوق بازنشستگی نمی‌شود، توزیع رانت کرد تا رضایت مردم را به دست آورد. اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم، کشور را با بحران‌های شدیدی روبه‌رو کرده‌ایم. ایجاد این تفکر یک بخشی از کار است. بخش دیگری از کار این است که یک جریان اندیشه‌ای شکل بگیرد که اگر قرار است صندوق‌ها از طریق تغییر سن بازنشستگی، اصلاحات ساختاری و نحوه مدیریت بنگاه‌ها اصلاح شوند، باید چه تدبیری به کار گرفته شود؟ مثلاً صندوق کشورها، سرمایه مالی و ابزارهای مالی نگهداری می‌کند، ما از بنگاه‌های مالی دست بکشیم؟ اگر قرار است سن بازنشستگی تغییر پیدا کند، چگونه این کار را انجام دهیم؟ حجم این بحران آن قدر بزرگ است که راه‌حل‌های ساده‌ای ندارد.

❧ به‌طور مشخص شما به عنوان یک فرد سیاست‌گذار در این حوزه توصیه‌تان به این دولت چیست؟

ابتدا وضعیت مواردی که تحت عنوان راه‌حل پارامتریک مطرح می‌شود باید شناخته شود. ما تصویر روشنی از همه صندوق‌ها نداریم. مثلاً صندوق

مثلاً در
لوله‌سازی
اهواز زمانی
که از وزارت
نفت کنده شد
و به صندوق
بازنشستگی
کشوری داده
شد، به دلیل
اینکه حفاری
و وزارت نفت
لوله‌ها را
نمی‌خریدند،
تولید نصف و
پرسنل دو برابر
شد. به این
دلیل که ضوابط
استخدام آسان
شد.